

## 70- عینی و ذهنی (objectif, subjectif)

عینی (ابژکتیف) یعنی آنچه که در خارج از شعور و آگاهی و حواس انسانی و به طور مستقل وجود دارد. به عبارت دیگر آنچه که وجودش بستگی به ذهن و شعور انسان و شناسایی او نداشته باشد.

ذهنی (سبژکتیو) یعنی آنچه در ذهن و شعور انسانی وجود دارد و طبق نظریه ماتریالیستی انعکاسی از جهان عینی است.

در مباحث مختلف اجتماعی و فلسفی این واژه ها به معانی مختلف به کار می روند. ما برای توضیح چند مثال می آوریم. مثلاً می گویند قضاوت عینی باید کرد یا قضاوت ذهنی درست نیست. مقصود از این عبارات چیست؟ قضاوت عینی یعنی شالوده استدلال و ارزیابی خود را بر پیشداوری ها، تمایلات و محتویات ذهنی خود قرار ندهیم بلکه در این ارزیابی فاکت های مربوطه عین واقعیت را ملاک و محک قرار دهیم. ببینیم فی الواقع در جهان مادی مستقل از خواست و تمایل و محتویات ذهنی ما چه می گذرد. هر قدر این واقعیت مستقل از آگاهی، بیشتر و همه جانبه تر پایه و شالوده ارزیابی و برخورد و استدلال ما قرار گیرد قضاوت ما عینی تر و البته صحیح تر خواهد بود. یک مورد دیگر که در آن از واژه های عینی و ذهنی زیاد استفاده می شود مربوط به قوانین تکامل طبیعت و اجتماع است. در این مورد وقتی می گوئیم فلان قانون عینی است مقصود آنست که صرفنظر از خواست و اندیشه ما، مستقل از آگاهی و شعور ما این یا آن پدیده و پروسه به طور عینی طبقه قانون مزبور انجام می گیرد. مثلاً در زمینه طبیعت روشن است که قانون جذب اجسام و در نتیجه سقوط اشیاء بر روی زمین یا قانون تبدیل مایع به گاز در درجه حرارت و فشار معین قوانین عینی هستند یعنی ما بخواهیم یا نخواهیم مستقل از شعور و ذهن ما چنین قوانینی جاری هستند و بر پروسه طبیعی حاکم اند. در مورد اجتماع هم وقتی از قانون عینی صحبت می کنیم مقصود آن چنان جریاناتی در تکامل جامعه بشریست که در دوران خاص مستقل از اندیشه و خواست و تمایل انسانی صورت می گیرد. مثلاً جریان تبدیل جامعه فئودالی به جامعه سرمایه داری در شرایط معین دارای قانونمندی عینی است و بنابر علل داخلی تکامل جامعه چنین تحولی در جامعه بشری غیر قابل اجتناب و عینی است. یا استثمار کارگر در جامعه سرمایه داری که بر طبق قانون اضافه ارزش صورت می گیرد زائیده ماهیت و اساس جامعه و طرز تولید و مناسبات سرمایه داریست و تا هنگامی که این جامعه برقرار است این قانون عینی عمل می کند و کارگر زحمتکش از طرف سرمایه دار ثروتمند استثمار می شود. همان طور که در مورد قوانین طبیعی انسان با شناخت قوانین می تواند آن را مورد استفاده قرار دهد و از آن به سود خود بهره برداری کند در مورد قوانین اجتماعی نیز با شناخت قوانین عینی تکامل جامع می توان بر آن ها مسلط شد و از آن ها برای تسریع در پیشرفت اجتماع و تحولات انقلابی استفاده نمود. بنابر این عینی و ذهنی در رابطه دیالکتیکی بین خود هستند و توجه به عینیت به هیچ وجه بهانه ای برای غیر فعال ماندن انسان در برخورد با آن نیست. به عبارت دیگر درک عینی بودن تکامل تاریخی یعنی آنچه که «جبر تاریخ» نام گرفته هرگز نباید دلیل درست روی دست گذاشتن و منتظر جریان خود به خودی حوادث ماندن باشد. بر عکس انسان فعال، با شعور و آگاهی خود نه تنها واقعیت موجود را می شناسد و به ماهیت قوانین تکامل آن پی می برد بلکه این شناسایی را وسیله تغییر و تکامل قرار می دهد و خلاقانه بر جریان تحول تاثیر می گذارد.

در هر عمل معرفتی یا شناخت دو طرف وجود دارد: اول عامل معرفت یابنده اعم از آن که فرد یا جمع باشد و آن را در اصطلاح فلسفی سوژکت یا ذهن می نامند و دوم آن که چیزی که بدان معرفت می یابیم و مضمون شناخت است و آن را ابژکت می نامند. عین یا مضمون معرفت امریست خارج از ذهن ما، مستقل از ما. حال اگر شعور و ذهن به علتی از علل، خواه در نتیجه خواست ها و شورهای انفرادی، خواه در نتیجه عامی گری و برخورد سطحی و یک جانبه، خواه در نتیجه جمود در یک رشته احکام آیه مانند و یا تبعیت کورکورانه از ذهنیات دیگران و غیره نخواهد موضوع عینی معرفت را دقیقاً مورد مطالعه و تجزیه قرار دهد و بخواهد خواص و قوانین و تضادهای این عین را رسماً از ذهن خود بیرون کشد و منظره ناقص و غلط و مسخ شده خود را جانشین واقعیت عینی کند و

پروای آن را هم نداشته باشد که تا چه اندازه این ساخته های ذهن با واقعیت عینی خارج منطبق است این شیوه تفکر را سوپژکتیویسم یا اصالت ذهن می نامیم. پس سوپژکتیویسم یا سبک ذهنی تفکر و عمل به مفهوم آنست که ساخته ذهن، جانشین واقعیت عینی گردد و ذهن مستقل از عین عمل کند اعم از این که اینکار آگاهانه یا ناآگاهانه از روی نیت خود یا بد انجام گیرد. از این توضیحات ماهیت ایدآلیستی این نظریه آشکار می شود.

شرایط داشتن برخورد عینی چنین است:

اول - جمع آوری دقیق فاکت ها و اطلاعات درباره موضوع بررسی به نحوه هر چه جامع تر

و دقیق تر

دوم - بررسی دقیق این فاکت ها و اطلاعات با انطباق قوانین عام مارکسیستی - لنینیستی

سوم - استنتاج از تحلیل و تعیین خط مشی عملی مبتنی بر این استنتاج و سنجش این خط مشی

در عمل